

انتخابات فرمایشی را تحریم کنید!

هفته هاست که هیاهوی انتخابات ریاست جمهوری و شورای ولایتی در افغانستان براه افتاده، آنهاست که تادیروز باهلله علیه "شیطان بزرگ" گلوپاره میکردند امروزه واعظین وبزرگان آئین "شیطان بزرگ" مبدل شده اند. ارزش های "شرعی ولتکم منکم یدعون الی الاخیر" و "جهاد(ذلیل ترین مردم آنهاست) اند که در خیابانهای شان سربازان بیگانه درگشت وگذارند- نهج البلاغه) "در مدت یکنیم ودهه جای شانرا به ارزش های "دموکراسی امریکائی" و "انتخابات" داده اند. جریان اسلامی شیعه وسنی عملانشان میدهند که معنویت، ربانیت ورحانیت آسمانی شان جز حرفهای میان تهی برای فریب واغوی توده ها نیستند.

کاندیداهای مرتج وپایدان شان با هزاران رشته های مرئی ونامرئی مردم را فریب میدهندوبرای کشانیدن شان بپای میز انتخابات از خاینانه ترین شعارهای ملیتی، مذهبی وو عده های سرخرمن سودمی برند. حتی همان هائیکه از نظر فلسفی وتاریخی معتقداند که اسلام حقیقی اسلام ولایت وانتصاب است نه اسلام سقیفه بنی ساعده و "انتخاب" اکنون درازای دالرهای سبز امریکائی وپوروهای طلائی اروپائی به مبلغین آئین انتخابات فرمایشی تبدیل شده اند.

اگر چند خلق بدون وجدان آگاه سیاسی یعنی حزب طبقه کارگر قادر نیست از تاریخ برداشت انقلابی بکند ولی پیش چشم خود میبیند که در طی این تقریباً یکنیم دهه که گفتارهای "انتخابی" بر سر قدرت بوده اند، چه بعه روز شان آمده است. آنهاست که فقیر و نادار، فقیر تر و نادار تر، مستمند و بیبنا، مستمند تر و بیبنا تر شده اند در حالیکه ثروتمندان خونخوار، خائنین ملی وتسلیم طلبان کلاه بردار به میلیونرهای سرمایه گذار در اروپا، چین، ماکائو، امارات متحده عربی، قزاقستان، تاجیکستان و ایران مبدل گردیده اند.

"واعظین انتخابات" به مردم موعظه میکنند که "شما با انتخاب یکی از کاندیداهای از حق آزاد بودن تان استفاده میکنید." و آنهاست که زبان شان تیز تر از مغزشان کار میکنند نیز این آیات فریبنده را مجدداً میخوانند. بسیار خوب، ما آزادیم به هر کسی که میخواهیم رایی بدهیم ولی کدام یک از آنها این رژیم را که در آن مالکثرت عظیم خلق کشور نان نداریم؛ تغییر میدهد؟ هیچکدام.

ما از فساد، ارتشاوناکار آئی این رژیم مزدور و بی اراده به ستوه آمده ایم. کدام یک از کاندیداهای ریاست جمهوری میتواند این وضع را تغییر بدهد؟ و یا بهتر بگوئیم کدام یک از آنها خود را فساد نیست؟

جان ما از مزدوری، بی غیرتی و وطنفروشی این رژیم فاسد، بی اراده و پوشالی به لب رسیده است ولی در میان کاندیداهای هیچ کسی رانمی بینیم که وطن پرست، صاحب ستون فقرات وبا غیرت باشد.

کدام یک از آنها شرایط کار، تحصیل وامنیت را برای جوانان واطفال ما زحمتکشان مهیا میسازد تا ما آنها را بسوی بی سرنوشتی وسیه روزی به کشورهای همسایه، اروپا و استرالیا برای استثمار و تحقیر شدن نفرستیم؟ هیچ کدام.

کدام یک از آنها ثروت های ملی افغانستان را در بازار امپریالیستها و سوسیال- امپریالیزم چین به حراج نمیکند؟ هیچکدام.

کدام یک از آنها وضع ستمکشی وموقعیت زنان را در جامعه تغییر خواهد داد؟ هیچکدام.

کدام یک از آنهاجرائت میکندبه امپریالیست های اشغالگر بگویدکه به دلیل بمبارانهای که دارای کلاهک یورانیوم دبیلت بوده اند، اکنون در هر صدنوزاد چهارنوزاد معیوب و فلج بدنیا آمده و می آیند و امپریالیسم امریکا بایدنه فقط این ساحات را از وجود یورانیوم دبیلت پاک کند بلکه به خانواده هائیکه نوزادان معیوب بدنیا آورده اند خانواده هائیکه یکی از عزیزانش را به دلیل تماس بامواد رادیو اکتیف یورانیوم سنگین و ابتلابه سرطان خون و سرطان شش از دست داده اند، غرامت بپردازد؟ هیچ کدام.

کدام یک از آنها میتواند جلوی ورود مواد خوراکی، پوشاک، ادویه، ساختمانی و غیره اجناس تقلبی و سرطان زای پاکستانی و ایرانی را بگیرد و تولیدات ملی افغانستان را تقویت کند؟ هیچکدام.

کدام یک از آنهاجرائت میکند با احداث پروژه های آبیاری در مسیر جریان دریای هلمند و آمودامپروزی و کشاورزی ملی را تقویه و نیاز مواد خوراکی و وارداتی را تقلیل بدهد؟ هیچکدام.

امروز صد هাজার جوان بر اساس سیاست "باتریاک میتوان چین را راحت تر گرفت" به اعتیاد کشانیده شده اند. کدام یک از آنها برای نجات و زنداران معتاد ما بر نامه دارد؟ هیچکدام.

هزاران زن و دختر جوان که قربانی تجاوز از یک طرف و سیاست مردسالارانه انداکتون در زندانهای رژیم پوشالی مانند گل های ناشگفته پر پر میشوند، کدام یک از آنها برای نجات آنها برنامه دارند؟ هیچکدام شان.

کدام یک از آنها میتواند (توانستن چه که حتی در نظر دارد) به اشغالگران امپریالیست بگوید که "گورت را گم کنید، از افغانستان خرج شده و هیچ زمانی دیگر به این ملک برنگردید!". هیچکدام.

سرزمینی که امروز افغانستان نامیده میشود از گذشته دور عبورگاه فاتحان و جهانگشایان بوده است. بارهای بارمدنیت های این سرزمین ویران و آبادی های آن با خاک یکسان گردیده ، باشندگان آن بقتل رسیده، فراری شده زنان و دختران آن به بردگی و اسارت رفته اند. تکرار مجدد این گونه لشکرکشی ها (هخامنشی هادر 650 قبل از میلاد، اسکندر مقدونی در 320 قبل از میلاد و یفتلی هادر 200 بعد از میلاد گرفته تا ویران گران ساسانی در قرن پنجم میلادی، اعراب در قرن هفتم و هشتم و مغول ها در قرن 13 ام، استعمارگران انگلیس در قرن 19 ام و سوسیال- امپریالیسم شوروی در چند دهه قبل) سلحشوری، مقاومت جوئی و مخالفت بابیگانه مهاجم و مسلح را به فرهنگ تاریخی این مردم تبدیل کرده بود. وقتی امپریالیست های اشغالگر اروپائی و امریکادر 2001 وارد این سرزمین شدند، روباه های پیشرو این گفتار های درنده همین هائی بودند که امروز خود را کاندید کرده اند. در نتیجه این تجاوز قشروسعی از جوانان این سرزمین بجای آنکه چوچه عقابان بلند پرواز و یا چوچه پلنگ های زیرک باشند به چوچه لاشخواران فرصت طلب و چوچه روباه های انجوباز تبدیل شده اند. نویسندگان و قلم بدستان این مملکت در سایه تشویقات "قلمانه ای" بجای آنکه خوددار، خودشناس و اهل فکر و اندیشه باشند و میراث "طرز تفکر علمی" گرانبهای راکه دانشمندان و پیشگامان علوم در جهان (ابن اهزان، البیرونی، ابونصر فاریابی) بمیراث گذاشته اند تعقیب کنند، به یاوه سراهایی و اژه پرداز، بی مسئولیت گوودهن بزرگ مبدل ساخته اند. کدام یک از این آقایانی که خود را کاندید کرده اند به میراث تاریخی و فرهنگی مردم افغانستان می اندیشند؟ بهتر بگوئیم کدام یک از آنها ب فکر بگور سپردن بیشتر این میراث تاریخی نیست؟ هیچکدام.

اگر اینها و صد هاستایل دیگر را به همین صورت حساب کنیم به روشنی می بینیم که "هیچکدام این خابین بمتعلق ندارند" و ما هیچ دلیل منطقی و درستی نداریم که یکی از آنها را انتخاب کنیم.

آنها به نظامی تعلق دارند که نتنها آزادی ملی و استقلال اقتصادی را از ما گرفته اند بلکه میراث هزاران ساله تاریخی ما را نیز از ذهن جوانان ما زدیده اند. آنها عوامل نظام فقر و ستمگری اند که مادر آن باید کار کنیم، زحمت بکشیم و آنها بخورند، بنوشند و عیش کنند. اگر ما واقعاً آزادیم، باید آزاد بودن ما را به شکل مخالفت و مبارزه با آنها نشان بدهیم نه به شکل همکاری با آنها برای سفت کردن بیشتر زنجیر فقر و سیه روزی به دستان ما و فروش آنچه از گریگ هادر این کشور باقی مانده است.

آنها میگویند که ما آزادیم و حق داریم به هر که خواسته باشیم رأی بدهیم! خیلی خوب، چرا ما آزاد بودن ما را در رأی ندادن و تحریم کامل انتخابات متبازن سازیم؟ ما اگر نمیتوانیم در حال حاضر به شورش و قیام علیه این نظام مزدور و پوشالی دست بزنییم حداقل با تحریم انتخابات آنها اراده آزادخواهی ما را بپندشان بدهیم. و از این طریق به آنها برساییم که "آری به راستی ما آزادیم و همین آزادی بما میگوید که به هیچکدام شماورژیم مزدور شمارائی ندهیم". تاجائیکه "آزادی حق انتخاب ما" اجازه میدهد این یگانه انتخاب درست است.

آزادی مادرگام اول زمانی آزادی حقیقی است که ما خود صاحب کشورمان باشیم. زمانی که اشغالگران سرنوشت مردم و میهن ما را تعیین میکنند فقط برای انتخاب یک مزدور دیگر اشغالگران آزادیم. انتخاب مدیرکل و مدیران ولایتی درست زمانی ممکن است که افغانستان به افغانستانی هاتعلق داشته باشد. زیرا در آن زمان مردم مدیرکل و مدیران ولایتی را برای این انتخاب میکنند که برای بهبود زندگی مردم و اعتلای معیارهای استقلال ملی کارکنند نه بر فروش دارائی های ملی و استقلال کشور. و آنها نیز مدیرانی خواهند بود که آزادی و سربلندی انسان افغانستانی (بدون در نظر گرفتن جنس، قوم، زبان، منطقه، مذهب و غیره) اعتقادشان باشد نه وسیله تظاهرشان. انسانهایی که خار فقر، در بدری، آواره گی، ستم مرد سالاری، ستم مذهبی و ستم رسوم و عنعنات پوسیده را از پای مردم بکنند این که بخاطر منافع خودشان این گلمیخ های زهر آلود را به پای مردم ما بیشتر فرو ببرند. خلق ما در آن زمان انسانهایی را انتخاب خواهند کرد که حاکمیت طبقه کارگر، خدمت به خلق، حفظ استقلال کشور و تلاش برای بهبود زندگی مردم بیشتر از زندگی خودش و نورچشمی هایش برایش اهمیت داشته باشد و صادقانه در این راه کار کند. چنین مدیرانی را فقط دبستان انسانی طبقه کارگری آفریند و چنین انسانهایی تنها در گهواره خونین انقلاب این سرزمین تربیه میشوند.

خلق شریف افغانستان انتخابات فرمایشی را تحریم کنید!

راه رهائی مادر انتخاب یک مزدور بردیگری نیست!

راه رهائی همه ما در دموکراسی مردمی است نه در دموکراسی امریکائی

هیچ یک از کاندیداهای ریاست جمهوری و شورای ولایتی بفکر شما نیست.

آزادی و سربلندی ما فقط با جنگ خلق تحت رهبری طبقه کارگر قابل حصول است

مئویست های افغانستان 9 حمل 1393